

**نویسنده:** داکتر ولادیس ب. ستروویک (Dr. Valdislav B. Sotirovic).  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2023-05-16».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [85]

---

## مفهوم نظری ژئوپلیتیک در روابط بین الملل و سیاست جهانی

### The Theoretical Concept of Geopolitics in International Relations and Global Politics



- \* کسی که اروپای شرقی را اداره می کند، به هارتلند فرمان می دهد.
- \* چه کسی بر هارتلند حکومت می کند، جزیره جهانی را فرمان می دهد.
- \* کسی که جهان را کنترل میکند، جزیره جهان را فرمان می دهد»  
(سر هالفورد جان مکیندر، 1919)

\*\*\*\*\*

واژه **ژئوپلیتیک** برای اولین بار توسط دانشمند علوم سیاسی **سوندی رودولف کیلن** (1864-1922) در سال 1899 استفاده شد، اما این اصطلاح در محافل دانشگاهی رایج نشد تا اینکه در اوایل قرن بیستم توسط جغرافیدان و استراتژیست بریتانیایی **هالفورد جان مکیندر** مورد استفاده قرار گرفت.

با این وجود، مفهوم ژئوپلیتیک به عنوان رویکردی نظری به سیاست جهانی و روابط بین‌الملل (IR) به زودی ابتدا در آلمان و بعداً در ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفت. این مفهوم به خودی خود بر مجموعه‌ای از محدودیت‌ها با ماهیت متفاوت تأکید داشت، اما بر سیاست خارجی هم از نظر موقعیت جغرافیایی و هم از نظر محیط جغرافیایی به طور کلی تمرکز می‌کند.

این اصطلاح خود از دو کلمه از زبان یونانی باستان گرفته شده است: **سرزمین و سیاست** به عبارت دیگر، ماهیت ساده مفهوم ژئوپلیتیک برگرفته از دیدگاه زبانی این است که چگونه ماهیت (ویژگی) سرزمین (جغرافیا) می‌تواند بر سیاست روابط بین‌الملل در سطوح مختلف از محلی تا جهانی تأثیر بگذارد یا به طور خلاصه بگوییم: ژئوپلیتیک، جغرافیای روابط بین‌الملل است.

با این وجود، در مفهوم گسترده‌تری از معنا، ژئوپلیتیک را می‌توان به عنوان رویکردی برای تحلیل سیاست خارجی درک کرد که اقدامات، روابط و اهمیت دولت‌ها را بر حسب عوامل جغرافیایی، مانند موقعیت، آب و هوا، منابع طبیعی، زمین‌فیزیکی و جمعیت... درک می‌کند.

جد یا پدر و مادر حوزه ژئوپلیتیک به احتمال زیاد **آلفرد ماهان** (1840-1914) بود. او استدلال کرد که دولتی که کنترل دریاها را در دست دارد (دارای قدرت دریایی) قرار است سیاست جهانی را کنترل کند (در واقع بریتانیا در آن زمان) یا این حال، **هالفورد جان مکیندر** نظر دیگری داشت: کنترل توده زمین بین آلمان و سبیری کلید کنترل روابط بین‌الملل (IR) و سیاست جهانی است.

می‌توان گفت که پایه‌گذاران مفهوم و رشته آکادمیک ژئوپلیتیک در سیاست جمهوری اسلامی ایران و جهان، آلمانی، **کارل ارنست هاوشوفر** (1869-1946)، سر **هالفورد جان مکیندر** بریتانیایی (1861-1947)، و دو آمریکایی: **نیکلاس هاستن** **جان اسپیکمن** (1893-1943) و **سائول برنارد کوهن** (1925-2021) برای همه آنها، این یک ایده کانونی مشترک بود که کنترل خشکی اوراسیا یا به عبارت دیگر - هارتلند، پیش‌نیاز هژمونی جهانی توسط هر قدرتی است که تظاهر به ابرقدرت یا ابرقدرت در ایران و سیاست جهانی کند. در واقع، بخش مهم هارتلند توسط اتحاد جماهیر شوروی و امروز تحت کنترل فدراسیون روسیه بود.

دولت ایالات متحده در طول جنگ سرد 1.0 (1949-1989) مشغول ژئوپلیتیک هارتلند شد و درک کرد که نابودی اتحاد جماهیر شوروی و روسیه تنها راه برای ایجاد کنترل و تسلط آمریکا بر هارتلند و در نتیجه بر بقیه مناطق است. جهان در طول جنگ سرد 1.0، واشنگتن و ماهواره‌های غربی آن (مجموعه غرب امروز) عمدتاً مشغول مبارزه با گسترش کمونیست‌ها در حاشیه جنوب شرقی آسیا، شرق و جنوب شرق اروپا و خاورمیانه (توده‌های زمینی) اطراف هارتلند بوده‌اند.

ویژگی های کانونی در میان بسیاری دیگر در مورد ژئوپلیتیک را می توان به شرح زیر توصیف کرد :

- امنیت منابع - امنیتی که معمولاً از نظر دسترسی به انرژی و سایر منابع کافی برای برآوردن نیازهای اقتصادی و نظامی یک دولت درک می شود .
- جنگ منابع - جنگی که برای به دست آوردن یا حفظ کنترل منابع طبیعی انجام می شود که برای توسعه اقتصادی و در نتیجه قدرت سیاسی در سیاست های داخلی و خارجی دولت مهم هستند .
- نفرین منابع - تمایل کشورهایی که منابع طبیعی فراوانی دارند به تجربه رشد کم، توسعه مسدود شده و در برخی موارد درگیری های داخلی (جنگ) همه نظریه پردازان ژئوپلیتیک استدلال خواهند کرد که مهم ترین دارایی های سرزمینی یک کشور شامل ویژگی های جغرافیایی آن است: اندازه، موقعیت، آب و هوا و اجزای فیزیکی درک چنین استدلالی بسیار آسان است اگر از یک نگاه ساده به کره زمین استفاده کنیم که به وضوح نشان می دهد که جغرافیا در واقع چه سودی دارد، برای مثال، هم برای ایالات متحده و هم روسیه :
- ایالات متحده توسط اقیانوس ها از اروپا و آسیا جدا شده است . این واقعیت مسیرهای تجاری مناسبی را فراهم می کند اما در عین حال هرگونه تهاجم نظامی را بسیار دشوار می کند .
- توده خشکی وسیع روسیه در اروپا و آسیا قرار گرفته است و به آن موقعیت استراتژیک قوی در هر دو می بخشد .
- از نظر تاریخی، گسترش سرزمینی ایالات متحده و روسیه به آنها کنترل بر منابع طبیعی عظیم را می دهد - مزیتی که سایر کشورهای بزرگ مانند کانادا، برزیل، چین، هند و استرالیا به اشتراک گذاشته اند .

در روابط بین المللی، دولت ها بازیگران کانونی بوده و هستند، دقیقاً به این دلیل که قدرت دارند - توانایی نه تنها برای تأثیرگذاری بر دیگران، بلکه در عین حال کنترل نتایج برای تولید نتایجی که به طور طبیعی رخ نمی دادند . دولت ها در روابط با سایر دولت ها و همچنین در رابطه با آن بازیگران در داخل کشور خود دارای قدرت هستند . با این حال، قدرت به خودی خود چند بعدی است زیرا انواع مختلفی از قدرت وجود دارد یکی از آنها رابطه جغرافیا و قدرت است به عبارت دیگر، اندازه جغرافیایی، موقعیت و منابع طبیعی می تواند به طور قطعی بر سطح قدرت دولت در IR تأثیر بگذارد . به عنوان مثال، یک گستره جغرافیایی بزرگ به یک دولت قدرت خودکار می دهد (روسیه، ایالات متحده آمریکا، چین، برزیل، هند، کانادا) . اما از سوی دیگر، مرزهای طولانی دولتی ممکن است در عین حال یک ضعف باشد زیرا باید از آنها دفاع کرد که هم کاری پرهزینه و هم از نظر فنی مشکل ساز است .

در اصل، در پس مفهوم نظری ژئوپلیتیک، میل به ترویج مطالعه جغرافیای انسانی به عنوان نوعی کمک دولتمردی با این باور بود که ژئوپلیتیک می تواند راهی را ارائه دهد که جغرافیدانان بتوانند از طریق آن شیوه های IR را آگاه کنند . از این پس، رشته دانشگاهی ژئوپلیتیک بر روش هایی تمرکز دارد که عوامل جغرافیایی مختلف می توانند شخصیت سیاست بین الملل را شکل دهند، از جمله توازن قوا بین دولت ها . عوامل اصلی جغرافیایی عبارتند از: (1) چیدمان فضایی توده های قاره ای و (2) توزیع منابع طبیعی و انسانی بنابراین، با در نظر گرفتن جغرافیا، به عنوان مثال، (1) برخی از سرزمین ها را می توان آسان تر یا سخت تر برای دفاع در نظر گرفت (2) . فاصله فیزیکی بر سیاست تأثیر دارد و (3) برخی از ویژگی های توپوگرافی زمین می تواند امنیت را ارتقا دهد یا منجر به آسیب پذیری شود .

باید تاکید کرد که موضوع امنیت در واقع برای مطالعه ژئوپلیتیک و عمل به سیاست جغرافیا بسیار مهم است به عبارت دیگر، این مسئله حفظ دولت در مواجهه با تهدیدات است، اما معمولاً از سوی دیگر دولت‌ها یا برخی از قدرت‌های خارجی دیگر ژئوپلیتیک به عنوان یک رشته می‌تواند با تبیین تأثیرات ویژگی‌های جغرافیایی یک دولت و در نتیجه متجاوزان بالقوه بر روابط قدرت-سیاسی آینده به امنیت ملی کمک کند. ژئوپلیتیک‌ها باید بتوانند پیش‌بینی کنند که کدام قلمرو می‌تواند یک دولت را تقویت کند، به برجسته‌تر شدن آن کمک کند، و کدام مناطق ممکن است دولت را تا حدی آسیب پذیر ترک کنند. آنها ادعا می‌کنند (مثلاً نیکلاس اسپایکمن) که جغرافیا یک عامل کانونی در روابط بین‌المللی و سیاست جهانی است زیرا دائمی‌ترین است.

در نهایت، برای ژئوپلیتیک‌ها، جهان یک سیستم نزدیک و وابسته به هم است. در عمل، ظهور ژئوپلیتیک به عنوان یک رشته، در واقع همزمان با فضای جهانی به طور کامل توسط استعمارگران و امپریالیست‌های غربی مورد کاوش قرار گرفت و در نتیجه برای گسترش سرزمینی و اقتصادی دولت در دسترس قرار گرفت. آن زمان بود که در واقع توسعه طلبی استعماری اروپای غربی به اوج خود رسیده بود. عملاً، ژئوپلیتیک روشی آکادمیک را برای کشورهای امپریالیستی اروپای غربی ارائه کرد که بتوانند از تصرفات ارضی خود در سراسر جهان محافظت کنند. به عنوان مثال، **هالفورد مکیندر**، ژئوپلیتیک بریتانیایی، معتقد بود که کنترل قلمرو هارتلند موقعیت تقریباً غیرقابل نفوذی را در سیاست جهانی فراهم می‌کند و بنابراین، به سلطه جهانی می‌انجامد. پیشنهاد او این بود که سیاست بریتانیا باید مراقب قدرت‌هایی باشد که هارتلند را اشغال می‌کنند و باید یک «منطقه حایل» در اطراف هارتلند اوراسیا ایجاد کند تا از انباشت بیشتر قدرت که ممکن است هژمونی امپراتوری جهانی بریتانیا را به چالش بکشد، جلوگیری کند. همان سیاست ایجاد «منطقه حائل» در اطراف روسیه توسط غرب جمعی به رهبری ایالات متحده از پایان جنگ سرد 1.0 تا امروز در دستور کار قرار دارد.

### **سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :**

دکتر ولادیسلاو بی سوتیروویچ، استاد سابق دانشگاه، پژوهشگر مرکز مطالعات ژئواستراتژیک، بلگراد، صربستان

----- **با تقدیم احترامات «17-05-2023»**